



Woman in Culture and Arts

Cinematic Representation of Women's Rights in Temporary Marriage; An Approach from Law and Cinema

Hesam Mollamohammadi Ardakani¹ | Zahra Shakeri²

1. Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: mollamohammadi.h@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: zshakeri@ut.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 9 March 2025 Received in revised form: 11 October 2025 Accepted: 14 August 2026 Published online: 2 October 2026 Keywords: <i>Cinematic Representation of Law, Family Law, Law and Cinema, Temporary Marriage, Women's Rights.</i>	he preservation of women's rights within the institution of <i>temporary marriage (nikāorary marria)</i> continues to be a significant challenge in Iranian law. The current legal framework that regulates transitory marriage not only has legal implications but also generates significant social repercussions, as evidenced by numerous prominent Iranian films. This study examines five significant Iranian films that depict transitory marriage, using cinema as a means of comprehending the social consequences of legal norms. The research demonstrates that cinematic representations of temporary marriage convey a predominantly negative social perception of this legal institution, portraying it as a significant threat to the family unit formed through permanent marriage, through the use of thematic analysis. Furthermore, this unfavorable perception frequently results in the covert execution of temporary marriages, which places women at a significant disadvantage. The absence of a mandatory registration requirement—except in cases of pregnancy or prior agreement—creates serious challenges for women, particularly in proving paternity when the man denies it. The study concludes that, despite the positive effects of certain legal reforms, they are insufficient to ensure the complete protection of women's rights in this domain by comparing these cinematic representations with the current capabilities of Iranian law. The research suggests that it is mandatory to register all impermanent marriages. Drawing upon the Family Protection Laws of 1967 and 1975, it further proposes that the law should grant a wife the right to divorce if her husband enters into a temporary marriage without her consent.
Cite this article: Mollamohammadi Ardakani, H., & Shakeri, Z. (2026). Cinematic Representation of Women's Rights in Temporary Marriage; An Approach from Law and Cinema. <i>Woman in Culture and Art</i>, 18(3), 339-356. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2026.391756.2142	
	© The Author(s). Publisher: The University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/10.22059/jwica.2026.391756.2142



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

بازنمایی سینمایی حقوق زنان در نکاح موقت؛ رهیافتی از تعامل حقوق و سینما

حسام ملامحمدی اردکانی^۱ | زهرا شاکری^۲ ✉۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mollamohammadi.h@ut.ac.ir۲. نویسنده مسئول، عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zshakeri@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	رعایت حقوق زن در نکاح موقت یک چالش جدی است. موقعیت فعلی نکاح موقت در حقوق ایران علاوه بر آثار حقوقی، دارای آثار اجتماعی نیز هست که فیلم‌های مهمی از سینمای ایران به آن پرداخته‌اند. این پژوهش با بررسی پنج فیلم شاخص سینمای ایران به‌عنوان منبع بازنمایی آثار اجتماعی مقررات حقوقی، با استفاده از شیوه نقد تماتیک نشان می‌دهد بازنمایی نکاح موقت در این آثار سینمایی حاکی از این است که تلقی عرفی از این نهاد حقوقی چندان مثبت نیست و عمدتاً خطری جدی برای نهاد خانواده که حاصل ازدواج دائم است، به‌شمار می‌رود. به‌دلیل همین تلقی نامناسب، ازدواج‌های موقت معمولاً مخفیانه انجام می‌شود و از این جهت نیز زوجه موقت آسیب‌های قابل‌توجهی می‌بیند. نبود الزام برای ثبت نکاح موقت پیش از بارداری زوجه، جز در صورت وجود شرط یا توافق، سبب می‌شود تا در صورت تولد طفل و عدم پذیرش از سوی مرد، زن برای اثبات نسب فرزند متحمل سختی‌های زیادی شود. با انطباق این بازنمایی‌های سینمایی با ظرفیت حقوق ایران، مشخص می‌شود که تغییرات صورت‌گرفته اگرچه مثبت بوده، اما کافی و تضمین‌کننده تمامی حقوق زن در این نهاد حقوقی نیست. پیشنهاد این پژوهش این است که ازدواج موقت به‌صورت مطلق باید منوط به ثبت باشد. به برخی مقررات قوانین حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ رجوع شود و در نهایت قانون‌گذار مقرره‌ای وضع کند که براساس آن، چنانچه مردان متأهل بدون اذن زوجه دائم مبادرت به انعقاد نکاح موقت کند، زوجه اختیار طلاق داشته باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۰	
کلیدواژه‌ها:	
بازنمایی سینمایی حقوق، حقوق خانواده، حقوق زنان، حقوق و سینما، نکاح موقت.	

استناد: ملامحمدی اردکانی، حسام و شاکری، زهرا (۱۴۰۵). بازنمایی سینمایی حقوق زنان در نکاح موقت؛ رهیافتی از تعامل حقوق و سینما. زن در فرهنگ و هنر،

۱۸ (۳)، ۳۳۹-۳۵۶. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.391756.2142>DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.391756.2142>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

جایگاه زن در مقررات حقوق خانواده یکی از چالش‌های پایدار نظام حقوقی ایران است؛ چالشی که در نهاد «نکاح موقت» نمود آشکارتری دارد. تمرکز این نهاد بر استمتاع جنسی در برابر مهریه، نبود الزام مؤثر برای ثبت رسمی و پیامدهای ناشی از آن، همواره موجب تردید در حفظ حقوق و کرامت زن شده است. درحالی که بیشتر پژوهش‌های حقوقی به صورت هنجاری و با تأکید بر «آنچه باید باشد»، این نهاد را بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر با رویکردی غیرهنجاری در پی آن است که نشان دهد نکاح موقت در عمل چه جایگاهی دارد و چه آثاری بر حقوق و منزلت زن می‌گذارد.

از سوی دیگر، سینمای ایران طی دهه‌های اخیر در آثار متعددی به بازنمایی نقادانه این پدیده پرداخته است. استفاده از فیلم‌های سینمایی به عنوان منبع تحلیل اجتماعی و حقوقی، روشی کمتر آزموده در مطالعات حقوقی ایران است. این پژوهش با تحلیل محتوای مهم‌ترین فیلم‌های ایرانی با محوریت نکاح موقت، آسیب‌های اجتماعی ناشی از ساختار کنونی این نهاد را شناسایی می‌کند، با تکیه بر یافته‌های سینمایی، به ریشه‌یابی حقوقی این معضلات می‌پردازد و درنهایت پیشنهادهایی برای اصلاح مقررات خانواده که با نظام فعلی حقوق ایران هماهنگی دارد ارائه می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، با گسترش رویکردهای زن‌محورانه، بحث درباره نکاح موقت و حدود حمایت از آن در میان پژوهشگران حقوقی رواج یافته است؛ برخی بر آثار مثبت آن تأکید کرده‌اند (Sadeghi, 2021: 49) و گروهی حمایت بی‌قید از آن را نقد کرده‌اند (Soleimani, Sharifi, 2016: 69). هم‌زمان، بازنمایی جایگاه زن و نظریه فمینیسم در سینمای ایران نیز توجه فزاینده‌ای دریافت کرده است (Karimi, Bashiri, & Mofidi, 2023: 237). با این وصف استفاده از آثار سینمایی و تحلیل فیلم در واکاوی مسائل دنیای حقوق، نادر و به صورت خاص در حقوق خانواده بی‌سابقه است.

نظریه پردازان خارجی در بررسی تعامل حقوق و سینما گفتمان‌های میان‌رشته‌ای متنوعی ارائه کرده‌اند. هرچند پژوهش‌های عمیق در این حوزه اندک است، دو گزاره کلیدی در تبیین این رویکرد قابل اشاره است. نخست آنکه استفاده از فیلم‌های سینمایی می‌تواند به طرح این پرسش هنجاری بینجامد که قانون چگونه باید باشد (Reichman, 2007: 500). دوم آنکه آثار سینمایی مرتبط با معضلات حقوقی، مخاطب را به قضاوت فعال وامی‌دارند و درعین حال فهم عمومی از مفاهیمی مانند عدالت و حق را شکل می‌دهند (Kamir, 2005: 269–271).

در ایران، نگاه به سینما غالباً از منظر حقوق عمومی یا در سطح مباحثی مانند قراردادهای سینمایی بوده است؛ یعنی در چارچوب «حقوق سینما»؛ درحالی که این پژوهش با رویکرد «حقوق و سینما» به کاربرد فیلم‌های سینمایی در تبیین مفاهیم مرتبط با حقوق زن در نکاح موقت می‌پردازد که نوآورانه است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با اعتقاد به اینکه قانون‌گذار با استفاده از سینما می‌تواند در اصلاح قانون سریع‌تر و دقیق‌تر قدم بردارد، با شیوه تحلیلی-توصیفی و با رویکرد غیرهنجاری، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل فیلم‌های موضوع پژوهش، به‌ویژه با استفاده از نشانه‌شناسی، علاوه بر دستیابی به دیدگاه‌های فیلم‌های مورد بررسی نسبت به نکاح موقت و مسائل مربوط به آن، نحوه بازنمایی آن دیدگاه‌ها در تحولات حقوق خانواده را نیز بررسی می‌کند.

توضیح اینکه تمامی آن قسمت‌ها از فیلم‌های منتخب این تحقیق که به موضوع این پژوهش ارتباط دارند به شیوه نشانه‌شناسی و البته با استفاده از رویکرد نقد تماتیک به‌دقت تحلیل شده‌اند تا دیدگاه فیلم‌ها نسبت به معضل موجود به‌طور کامل استخراج شود. سپس با در نظر گرفتن آن دیدگاه به‌عنوان یک گزاره واقع‌گرایانه، ریشه حقوقی مشکل به‌نمایش درآمده در فیلم سینمایی واکاوی شده و راه‌حل متناسب با آن مسئله که با نظام حقوقی ایران نیز تناسب داشته باشد، ارائه شده است.

شایان ذکر است که فیلم‌هایی در این پژوهش بررسی شده‌اند که براساس نظریه مؤلف، دارای جنبه‌های بصری ارزشمند و رویکردهای قابل‌بحث در بررسی پدیده‌های اجتماعی هستند. فیلم‌های منتخب این پژوهش از بین فیلم‌های سینمایی بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ انتخاب شده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش مشخص شد که فیلم‌های مهم سینمای ایران، نهاد نکاح موقت را به شیوه‌ای که اکنون مورد حمایت قانون‌گذار است دارای ایرادات جدی می‌دانند. نخست آنکه قاطبه جامعه نگاه مثبتی به نکاح موقت ندارند و این تلقی عرفی حتماً باید مدنظر قانون‌گذار قرار گیرد. دوم، نکاح موقت به‌ویژه زمانی که زوج متأهل باشد، خطرات جدی برای خانواده دارد؛ به حدی که نمی‌توان آن را در حمایت از این نهاد نادیده گرفت. سوم، وقتی نکاح موقت به بارداری زوجه بینجامد، چون قبل از آن عمدتاً ثبت نکاح موقت الزامی نیست، می‌تواند سرنوشت نامطلوبی برای زوجه و فرزند متولدشده ایجاد کند.

۵. بحث و بررسی

۵-۱. جایگاه نهاد نکاح موقت؛ بررسی موردی فیلم «در مدت معلوم»

فیلم «در مدت معلوم» محصول سال ۱۳۹۳ ساخته وحید امیرخانی است. فیلم درخصوص مرد جوانی به نام میثم است که علی‌رغم نداشتن تحصیلات کافی، کتابی درخصوص نکاح موقت به نگارش درآورده و در پی چاپ آن است. دغدغه اصلی میثم ازدواج موقت و ضرورت ترویج آن است. در نمای افتتاحیه فیلم، میثم رو به دوربین می‌ایستد و می‌گوید: «خانواده؟! من این کتاب را به‌خاطر خانواده نوشتم، به‌خاطر ثبات خانواده نوشتم، به‌خاطر امنیت خانواده نوشتم.» بلافاصله مشخص می‌شود که او در سرویس بهداشتی این صحبت‌ها را مطرح می‌کند. مشخص می‌شود که از نگاه فیلم، این حرف‌های میثم در وضعیت فعلی فقط در سرویس بهداشتی قابل بیان است و خریداری در اجتماع ندارد. در صحنه بعدی نیز میثم وارد دانشگاه می‌شود و در جلسه‌ای با محوریت ازدواج شرکت می‌کند. میکروفن را می‌گیرد و از این صحبت می‌کند که در جامعه امروز زن و مرد در جامعه با هم برخورد دارند و این سبب می‌شود تا احساساتی در آن‌ها به‌وجود آید.

فیلم از این نظر درست عمل کرده که آنچه در افتتاحیه و سکانس‌های ابتدایی به آن اشاره می‌کند، درواقع همان موضوع اصلی داستان فیلم است. مسئله این است که مانند میثم، تمامی لایحه‌های جامعه نیز که میثم با آن‌ها درمورد کتابش صحبت می‌کند، معتقدند که نکاح موقت فقط برای رفع نیازهای جنسی به طریق مشروع^۱ است؛ با این تفاوت که میثم آن را مثبت قلمداد می‌کند، ولی بقیه خلاف این نظر را دارند. مدیر مدرسه‌ای که میثم در آن تدریس می‌کند، پیرمرد به‌ظاهر متدینی که مسئول مرکز همسریابی است و مدیر انتشاراتی که با چاپ کتاب موافقت نمی‌کند، همه -به‌جز چند دانشجو- اعتقاد دارند که ترویج نکاح موقت امر مناسبی نیست؛ چرا که فقط برای برطرف کردن نیازهای جنسی است. حتی چندی پس از اینکه میثم به مرکز همسریابی مراجعه و سؤال می‌کند که آیا این مرکز درخصوص نکاح موقت نیز فعالیت می‌کند، وقتی از مقابل آن مرکز در حال عبور است می‌بیند که روی شیشه آن مرکز، واژه «دائم» در پرانتزی در حال اضافه‌شدن به عبارت «همسریابی» است.

درخصوص ماهیت و فلسفه تشریع نکاح موقت بین نویسندگان اختلاف هست. برخی اعتقاد دارند که نکاح موقت فقط از حیث پاره‌ای از احکام با نکاح دائم تفاوت دارد؛ احکامی از قبیل نفقه و ارث (Ghadiri, 2022: 94)، اما آنچه در فقه به چشم می‌خورد -علی‌رغم تلاش‌هایی

۱. مشروع به معنای تجویز شده از نظر شارع مقدس و قانون‌گذار.

برای تأکید بر این امر که تمتع جنسی مقتضای ذات عقد نکاح (دائم یا موقت) نیست (Mohammadzadeh & Nazari Tavakoli, 2021: 176) - نشان می‌دهد غایت طرفین در نکاح موقت تشکیل بنیاد خانواده نیست و تمتع جنسی رکن اساسی این عقد است. پاره‌ای از استادان حقوق نیز در همین راستا اگرچه نکاح موقت را راهی برای گریز از برخی تکالیف مربوط به نکاح دائم دانسته‌اند، اما ممانعت اشخاص از انحطاط‌های اخلاقی را در نکاح موقت هدف اساسی می‌دانند (Gorji et al., 2022). از امیرالمؤمنین (ع) نیز نقل شده که اگر خلیفه دوم نکاح موقت را منع نمی‌کرد، فقط انسان‌های شقی مرتکب زنا می‌شدند (Hor Ameli, as cited in Hashemi, 2007: 105). علاوه بر موارد پیش گفته، ضرورت تعیین مهر در نکاح موقت و تعیین ضمانت اجرای بطلان عقد برای آن و تشبیه نکاح موقت به عقد اجاره توسط بسیاری از فقیهان و استادان تأییدی بر این است که غرض شارع از پیش‌بینی نهاد نکاح موقت، تعریف راهی برای رفع مشروع نیازهای جنسی بوده و کارکرد آن با نکاح دائم اساساً تفاوت داشته است. در نتیجه بازنمایی این تلقی در فیلم «در مدت معلوم» مبنی بر رفع نیازهای صرف جنسی در نکاح موقت صحیح به نظر می‌رسد. به یک معنا فیلم به این مسئله می‌پردازد که اساس رفع نیاز جنسی خارج از چارچوب ازدواج دائم در جامعه قبیح است و البته این تقبیح امری نامطلوب است.

فیلم، صحت نکاح موقت از نگاه قانون و فقه را به درستی مفروض گرفته و از پرداختن به آن خودداری کرده است. این از یک دیالوگ در صحنه چهارم فیلم به خوبی فهم می‌شود؛ آنجا که میثم با خود صحبت می‌کند و می‌گوید: «فطرت بشری به من مجوز داده بدعتی (مدیر انتشارات)، سنت الهی به من مجوز داده بدعتی، تو کی هستی که به من مجوز نمی‌دهی بدعتی؟» فیلمساز می‌داند که وقتی امری به اندازه نکاح موقت در سنت الهی مورد تأیید قرار گرفته باشد قانون نیز آن را به رسمیت می‌شناسد. پس درواقع فیلمساز به سراغ ابعادی از نکاح موقت رفته که بر سر آن مناقشه وجود دارد؛ به‌طور خاص در بین طبقات اجتماعی. این موضوع خود می‌تواند آغازگر بحثی باشد؛ آن هم اینکه با تمام این تردیدهای عرفی، آیا نگاهی چنین قاطع از سوی قانون‌گذار مبنی بر صحت و جواز تام و کامل نکاح موقت صحیح است یا خیر. درواقع با وجود شرایطی که فیلم برای جامعه درخصوص دیدگاه‌ها به نکاح موقت تصویر می‌کند - که با واقعیت نیز منطبق است - آیا قانون‌گذار همچنان باید بر حکم قطعی خود استوار بماند؟

ابتدا باید نکته‌ای را بررسی کرد؛ آن هم اینکه فیلم با قراردادن نشانه‌های مختلف - همان‌طور که اشاره شد - رفع نیازهای جنسی خارج از نهاد نکاح دائم را یک تابوی جمعی معرفی می‌کند و در این تابو نیز تأکید بر اصل رفع نیازهای جنسی است. وقتی مدیر مدرسه طرح این سؤال را موجب بازشدن

چشم و گوش دانش‌آموزان می‌داند، وقتی مدیر مرکز همسریابی در پاسخ به سؤال میثم درخصوص فعالیت مرکز در زمینه نکاح موقت، به او می‌گوید: «این را برای خواهر و مادر خود هم مناسب می‌دانی؟» و البته تأکیدهای فراوان خود میثم مبنی بر تشنه‌شدن جوانان، همه نشان می‌دهد که ضرورت رفع نیاز جنسی جوانان حتی در قالب مشروع نهاد نکاح موقت نیز در جامعه مورد پذیرش نیست. البته نباید از این امر هم غافل شد که عرف فعلی، هم درخصوص بخش مسن‌تر و هم جوان‌تر جامعه - که با آموزه‌های مدرنیته خوی بیشتری دارد - اساساً در ضرورت وجود نهاد نکاح موقت مردد است. دیدگاه نسل مسن‌تر که در فیلم هم به آن پرداخته شده، متمرکز بر رفع نیاز جنسی از طریق ازدواج دائم است، اما نسل جوان‌تر - که فیلم به این دسته از مخالفان نکاح موقت کمتر پرداخته - عمدتاً برای رفع نیاز جنسی خود نیازی نمی‌بیند که عقد نکاح موقت به معنای شرعی آن منعقد کند و شاید صرف توافق را کافی بداند.

اما در پاسخ به سؤال و بررسی این امر که قانون‌گذار با وجود همه مجادله‌ها آیا می‌تواند بر موضع خود با همان شدت قبل پافشاری کند، باید گفت قانون‌گذاری وابستگی شدید به عرف دارد. «فهم عرفی»^۱ از نگاه برخی نویسندگان مهم‌ترین امر مورد توجه در قانون‌گذاری قلمداد شده است (Jafari-Tabar, 2020: 156). با این حال این امر که تأثیر عرف در قانون‌گذاری در ایران گاه با نظام قانون‌گذاری اسلام به تعارض می‌خورد و تنها باید از طریق نظام مذکور تأثیر خود را در قانون بروز دهد (Rostami, 2008: 197)، اینجا و در بحث ما نیز مطرح است. درواقع عرف جامعه ایران مدتی است که با نکاح موقت به مشکل برخورد کرده است، ولی نظام قانون‌گذاری اسلام (فقه امامیه) آن را به‌طور کامل به رسمیت می‌شناسد. به‌لحاظ تحولی نیز جایگاه نهاد نکاح موقت در نظام حقوق خانواده ایران همواره ثابت نبوده است. پس از تصویب قانون مدنی و با گذشت زمان و بروز حوادث تاریخ، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مهم و تأثیرگذار در ایران، در اثر همین تغییر عرف، قانون‌گذار به فکر افتاد و ابتدا در سال ۱۳۴۶ یک قانون حمایت خانواده مصوب کرد. سپس در سال ۱۳۵۳ قانون حمایت از خانواده دیگری را جایگزین آن کرد که برخی از احکام آن همچنان پابرجا است. در ماده ۱۶ قانون اخیر، مرد جز در موارد مصرح در این ماده نمی‌توانست همسر دوم اختیار کند و طبیعی است که واژه همسر اطلاق داشت و همسر موقت را نیز دربرمی‌گرفت. البته این تغییر دوام زیادی نداشت و پس از انقلاب اسلامی، نکاح موقت به‌سرعت همان جایگاه مطلق خود را در نظام قانونی بازیافت.

1. Common sense

مشخصاً مسئله‌ای در این زمینه که به تحقیقات حقوقی درخصوص خانواده نیز راه یافته، بی‌توجهی به واقعیت‌های اجتماعی حول محور خانواده در قانون‌گذاری این شاخه از حقوق است (Vahidi Ferdowsi & Naeimi, 2020: 286). درواقع قانون‌گذار خانواده پس از انقلاب در تصویب قوانین این حوزه فقط به احکام شرعی و ضرورت انطباق مقررات با آن احکام اهتمام ورزیده، حال آنکه نسبت به بسیاری از مسائل، واقعیات اجتماعی تغییرات شگرفی داشته است. فیلم «در مدت معلوم» نیز دقیقاً روی همین نقطه دست گذاشته است.

به نظر می‌رسد در ضرورت اصلاح قوانین درخصوص نکاح موقت نباید تردید روا داشت. دلیل اصلی این است که این نهاد چه درست چه اشتباه، مقبولیت خود را هم در میان طبقات مذهبی‌تر و هم طبقات غیرمذهبی‌تر از دست داده است؛ چنان که گروهی از پژوهشگران حقوقی -همان‌طور که در پیشینه پژوهش اشاره شد- به کلی مزایای نکاح موقت را منکر شده‌اند. بنای عقلا نیز این اقتضا را دارد که اگر حکمی شرعی از سوی عموم مردم عملاً مطرود شد، نظام حقوقی و فقهی نباید بر آن پافشاری کند؛ چرا که در عمل به وهن آن حکم می‌انجامد. به یک معنا در حال حاضر مردم ترجیح می‌دهند روابط خود را در قالب نکاح دائم یا خارج از چارچوب‌های شرعی و قانونی به رسمیت شناخته‌شده قرار دهند یا اگر نکاح موقت منعقد می‌کنند، آن را مخفیانه انجام دهند.

از طرفی شکی نیست که معایب عدم باور به قوانین توسط توده مردم و همچنین عدم اجرای آن از ایجاد انعطاف در احکام نامقبول بیشتر است. یکی از استادان حقوق به صراحت عنوان کرده‌اند که نکاح منقطع در جامعه ایران امری ناپسند است و زنان به دیده نفرت به آن می‌نگرند و در عمل، ازدواج موقت را فاقد اهمیت دانسته‌اند، حتی با در نظر گرفتن این امر که قانون آن را به رسمیت می‌شناسد (Safaei & Emami, 2009: 29). قوانین حمایت خانواده سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ نیز در پی درک تغییر واقعیت‌های اجتماعی و ضرورت لحاظ کردن آن‌ها در کنار احکام شرعی تصویب شدند، بی‌آنکه از اصل نهاد نکاح موقت را زیر سؤال ببرند.

حال باید دید که چه راهکاری می‌توان اتخاذ کرد تا هم به مانع اصل ۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «کلیه قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید منطبق بر موازین اسلامی باشد» برخورد و هم واقعیت‌های جامعه در مقررات حقوق خانواده لحاظ شود. اول اینکه قانون‌گذار ایران با تغییر در مسائل تغییرناپذیر فقهی بیگانه نیست؛ برای مثال ایجاد محدودیت در اختیار طلاق توسط مرد -برخلاف اجماع فقیهان- از جمله همین تغییرات است. در ثانی تغییرات پیشنهادی برای ازدواج موقت می‌تواند از زمره همان تغییراتی باشد که پیش‌تر قانون‌گذار آن را تجربه کرده است. بازگشت به حکم مقرر در ماده ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ می‌تواند

مناسب باشد. به یک معنا می‌توان مانند طلاق، برای انعقاد نکاح موقت توسط مرد متأهل نیز مراجعه به دادگاه و صدور حکم قضایی را الزامی شمرد یا اذن زوجه را لازم دانست. البته باید در نظر داشت که انعقاد نکاح موقت توسط مرد متأهل بدون اذن زوجه دائم همچنان صحیح است، اما چنان‌که از شروط مندرج در سندهای ازدواج نیز برمی‌آید، قانون‌گذار می‌تواند صراحتاً به‌عنوان یک مقررۀ قانونی درج کند که اگر زوج بدون اذن زوجه مبادرت به انعقاد نکاح موقت کند، زوجه اختیار طلاق داشته باشد تا در صورت عدم درج چنین شرطی در برخی سندهای نکاحیه، حقوق زوجه تأمین شود. تا نکاح موقت دست‌کم تیشه به ریشه خانوادۀ پیش‌تر تشکیل‌شده نزند.

باین‌حال در فیلم «در مدت معلوم» نکاح موقت و دفاع از آن فقط بین جوانان مجرد مطرح است و در راستای مطالب فوق، فیلم حتی به اندازه‌ی یک نما قضیه را درخصوص مردان متأهل مطرح نمی‌کند که رویکرد دقیقی است. در ضمن در پایان فیلم که میثم با دختر جوانی که به کتاب او علاقه‌مند شده ملاقات می‌کند، از نحوه‌ی صحبت کردن میثم مشخص می‌شود که به دختر جوان علاقه‌مند شده و حالا دیگر حرفی از نکاح موقت نیست و احتمالاً ازدواج دائم پیش‌روی میثم است. این یعنی فیلم مدافع ازدواج موقت است تا زمانی که شرایط برای ازدواج دائم فراهم نشده باشد.

عمده‌ی معایبی که برای نکاح موقت برشمرده شد، اختصاص به حالتی دارد که زوج، موازی با یک زوجیت دائم مبادرت به انعقاد آن کند، در نتیجه برای دیگران کنکاش در امور عقیدتی آن‌ها است و ضرورتی ندارد. درواقع آنجا که اثر یک عمل از دایرۀ تصمیمات خصوصی اشخاص بیرون نمی‌آید، قانون‌گذار باید به آن تصمیمات احترام بگذارد و حق ندارد به آن‌ها ورود کند، حال چه نکاح موقت باشد، چه رابطه‌ای حتی بدون آن. البته گروهی سعی کرده‌اند مضرات نکاح موقت را چه در فرض وجود زوجیت دائم برای مرد و چه در صورت عدم آن یکی برشمرند (Mahvi, Bashiri, & Mofidi, 2023: 4366) که مانند نظر موافقان نکاح موقت، مبالغه‌آمیز و از واقعیت دور است.^۱

۵-۲. آثار نکاح موقت؛ بررسی موردی فیلم‌های «خشم و هیاهو» و «شوکران»

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اساس جواز نکاح موقت در برخی موارد به‌دلیل عدم انطباق با مصالح اجتماعی و خانوادگی امروزه با تردیدهای جدی روبه‌رو است. باین‌حال عنوان شد که اظهارنظر قطعی و فراگیر برای همه‌ی اقشار جامعه با منطق قانون‌گذاری سازگار نیست، اما در مواردی نکاح منقطع به دنبال یک نکاح دائمی پابرجا به وقوع می‌پیوندد که آسیب‌های جدی در پی دارد. بررسی این آثار

۱. درخصوص نگاه به نکاح موقت میان افراد متعلق به طبقۀ سنتی جامعه، فیلم کوتاه «۳۵ متری سطح آب» (۱۳۸۶) به کارگردانی هومن سیدی را ببینید.

به لحاظ حقوقی حائز اهمیت است. در بازه زمانی مورد بررسی این تحقیق، دو فیلم مهم با محوریت آثار نکاح موقت در سینمای ایران ساخته شده که بررسی آن‌ها می‌تواند برای بحث در این خصوص بسیار مفید باشد: یکی «خشم و هیاهو» ساخته هومن سیدی و دیگری فیلم سینمایی «شوکران» ساخته بهروز افخمی.

۵-۲-۱. خشم و هیاهو

خشم و هیاهو داستان زندگی یک خواننده مشهور به نام خسرو را روایت می‌کند که متهم به قتل همسرش شده است. در کنار شخصیت خسرو، دختری به نام «حنا» نیز که با نکاح موقت همسر خسرو بوده مظنون به قتل است. بحث نکاح موقت در یکی از صحنه‌های ابتدایی فیلم در مکالمه بازپرس و خسرو مشخص می‌شود؛ آنجا که بازپرس به خسرو می‌گوید دارای رابطه مخفی نامشروع بوده و خسرو به او پاسخ می‌دهد که رابطه نامشروع نبوده است. مضمون و درون‌مایه اصلی فیلم، دشواری قضاوت برای تشخیص صحت دو داستانی است که خسرو و حنا از قتل همسر خسرو روایت می‌کنند. با این حال آنچه در هردو روایت ثابت است، وجود علقه زوجیت موقت بین خسرو و حنا است. مهم‌ترین نکته در تحلیل این فیلم این است که فاجعه‌ای که رخ داده و حالا فیلم در پی بررسی روایات مختلف از آن است، تحت تأثیر کامل نکاح موقت است. درواقع نکاح موقت خسرو و حنا تا آنجا بر زندگی خسرو تأثیر می‌گذارد که به قتل همسر او منجر می‌شود.

یکی از مسائل بارز در فیلم، پنهانی بودن نکاح موقت است. بازپرس در ابتدای فیلم به خسرو می‌گوید زندگی مخفی داشته است. خسرو هم در جایی از فیلم اذعان به این امر می‌کند. قاضی نیز در صحنه دادگاه این موضوع را تکرار می‌کند. شوکران، دیگر فیلم مورد بررسی در این بند نیز، نکاح موقتی را روایت می‌کند که به صورت پنهانی، زندگی اصلی مرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به یک معنا مردی که مبادرت به انعقاد نکاح موقت کرده، از عیان ساختن آن واهمه دارد و حالا دو سؤال در کنار هم مطرح می‌شود: یکی اینکه چرا آشکار کردن نکاح موقت توسط مرد امکان‌پذیر نیست؟ و دیگر اینکه چرا قانون‌گذار عملی که انجام‌دهنده آن حاضر به آشکار کردن آن نیست را تا این حد حمایت می‌کند؟

به سؤال ابتدایی در بند پیشین پاسخ داده شد. مقبولیت نکاح موقت در جامعه به صورت چشمگیری کاهش یافته و زمانی که دید جامعه به این امر منفی باشد مرتکب، از بیان آن پرهیز می‌کند. فقها و حقوقدانان گاه تلاش می‌کنند تا نکاح موقت را به شیوه مطلق توجیه کنند. این تلاش تا حدی متأثر از مبانی مورد مطالعه ایشان است. درحالی که گاهی مشاهده می‌شود محققان دیگر

علوم بر عدم مقبولیت عام نکاح موقت صحه گذاشته‌اند (Zamani-Moghadam, 2018: 130). از طرفی خصوصیت پنهانی بودن نکاح موقت انکارناپذیر است. در حقیقت نیاز چندانی به استدلال نیست. هر که به اطرافیان خود نگاه کند، متوجه می‌شود که کسی نیست تا ازدواج موقت خود را با صدای رسا به دیگران اعلام کند.

اما پاسخ سؤال دوم مشخص نیست. اگر در سراسر قانون مدنی جستجو شود، حتی یک نهاد حقوقی که در این قانون تصویب شده پیدا نخواهد شد که ایجادکننده آن از بیان آن شرمسار باشد. جالب است که طلاق به عنوان از بین برنده نکاح دائم کاملاً پذیرفته شده است، ولی پذیرش نکاح موقت همچنان با مقاومت سخت جامعه روبه‌رو است. درواقع باید گفت قانون یا امری را که رایج است تجویز می‌کند یا امری را که در حال رواج است؛ برای مثال شاید تا چند سال پیش، معامله با چیزی به نام ارز دیجیتال نه تنها پذیرفته نبود، بلکه جرم تلقی می‌شد، اما حالا وقتی جامعه به علل مختلف به سمت پذیرش آن حرکت کرده، قانون‌گذار نیز برای جلوگیری از توالی فاسد یا آن را پذیرفته یا در تقالید پذیرش است. پذیرش نکاح موقت نیز در زمان تصویب قانون مدنی به دلیل تازگی نسبی خروج از دوران قاجار - که دوران اوج مقبولیت نکاح موقت بود - منطقی می‌نمود، ولی پافشاری بر آن دیگر توجیه‌پذیر نیست.

اما دیگر مسئله‌ای که در فیلم «خشم و هیاهو» درخصوص نکاح موقت جالب توجه است، ورود حنا به خانه خسرو برای مراقبت از همسر او است. خسرو حنا را به خانه خود می‌آورد تا از همسر و فرزند خسرو مراقبت کند. این قسمت از داستان به وضوح در حال انتقال مضمونی جدی است. درواقع فیلم با زبان استعاره عنوان می‌کند که آثار ازدواج دوم (موقت) به ازدواج اول سرایت می‌کند. قتل همسر خسرو نیز اگرچه مشخص نمی‌شود که واقعاً به دست چه کسی انجام شده، در حال نتیجه ازدواج موقت خسرو و حنا است؛ ازدواجی که موجب فروپاشی کامل خانواده خسرو می‌شود.

سومین مطلب که در فیلم درباره نکاح موقت بیان می‌شود و جای تأمل دارد، نگاه همسر دوم (موقت) به ماجرا است. حنا در قسمتی از فیلم به بازپرس می‌گوید: «احساس یک دزد را داشتم که وارد زندگی کسی شده بود.» درواقع زن نیز در نکاح موقت نقشی را که باید در یک ازدواج داشته باشد ندارد. با در نظر گرفتن کلیت فیلم که شکل‌گیری یک رابطه عاشقانه بین خسرو و حنا را روایت می‌کند، اگر زن قصد تمتع جنسی صرف یا نگاه مالی نداشته باشد، از نکاح موقت سودی نخواهد برد.^۱

۱. سریال «پوست شیر» ساخته نوید محمودی محصول ۱۴۰۱ زندگی زوجی به نام رضا و مژگان را روایت می‌کند که علقه زوجیت موقت بین آن‌ها وجود دارد. مژگان که به رضا علاقه‌مند است، همواره از او می‌خواهد که نکاح دائم بین آن‌ها برقرار شود.

۵-۲-۲. شوکران

فیلم «شوکران» محصول سال ۱۳۷۹، به زندگی شخصی به نام محمود بصیرت می‌پردازد. او ضمن یک سفر کاری با پرستاری به نام سیما ریحانی آشنا می‌شود و با او عقد موقت منعقد می‌کند. پس از چندی قصد برهم‌زدن نکاح را می‌یابد که سیما به او می‌گوید باردار است. محمود از پذیرش این موضوع سر باز می‌زند. در نهایت و پس از کشمکش‌هایی سیما طی یک تصادف کشته می‌شود.

محمود، شخصیت اصلی فیلم، دارای عقاید مذهبی است و این یکی از نکات مهم در بررسی نگاه فیلم به نکاح موقت است. پس از آشنایی با سیما، محمود به او می‌گوید که اهل نماز و حرام و حلال است و باید بین او و سیما «صیغه» خوانده شود. او به سیما توضیح می‌دهد که صیغه، ازدواج موقت است با شرایط معین که می‌تواند دائمی شود. اینجا هم بحث تقابل نکاح موقت و دائم بروز می‌کند که درواقع برتری نکاح دائم نسبت به نکاح موقت برای زن است. به یک معنا مرد مذهبی برای مشروعیت رابطه به دنبال نکاح موقت است، اما می‌داند که این موضوع برای زن احتمالاً مطلوبیت ندارد. در ادامه هم آنجا که پس از گذشت زمان مرد پشیمان می‌شود اما زن قصد ادامه رابطه را دارد، محمود به سیما می‌گوید: «مطمئنم یک همسر واقعی پیدا می‌کنی»؛ تأکیدی بر عدم امکان تشکیل خانواده با نکاح موقت. در پایان سیما درحالی که به منزل محمود رفته تا او را ببیند، در راه بازگشت تصادف می‌کند و کشته می‌شود. یک تراژدی دیگر که از دل نکاح موقت پنهانی به وجود می‌آید. این بار اما تراژدی برای خانواده مرد رقم نمی‌خورد و زنی که تن به نکاح موقت داده از آن آسیب می‌بیند. اما باز هم علت اصلی تراژدی، نکاح موقت و البته پنهانی بودن آن است.

پس فیلم، ویژگی‌هایی مهم برای نکاح موقت در نظر می‌گیرد: نامطلوب بودن برای زن، مذموم بودن حتی برای طبقات سنتی‌تر جامعه و در کنار این ویژگی‌ها فرجام ناپسند آن نیز مورد تأکید است. به این ویژگی‌ها پیش‌تر هم اشاره شد. درواقع با جمع‌بندی تمامی مطالب نباید تردید کرد که اصل مشروعیت نکاح موقت، آن هم با این حجم از آزادی برای مردان متأهل از سوی قانون‌گذار فاقد توجیه است؛ چه اینکه برخی فقها نیز -به تبع روایات مکرر از ائمه (ع) که همگی به جنبه‌های متعدد احتیاط در نکاح موقت اشاره دارند- «متعّه» یا همان نکاح موقت را برای مردی که متأهل است و امکان استمتاع جنسی از همسر خود را دارد، مورد نهی و منع قرار داده‌اند (Mirkhani, 2000: 12).

توضیح اینکه آنچه دو فیلم سینمایی مزبور نشان می‌دهند، علی‌رغم انتقاداتی که برخی حقوقدانان به نحوه بازنمایی نکاح موقت در آثار سینمایی و تلویزیونی ایران داشته‌اند

(Khorrami Rafani, 2020: 9) منطبق با واقعیت است؛ چرا که موضوعی را که آحاد مردم با آن روبه‌رو هستند، نمی‌توان با استدلال‌های منطقی و غیرمنطقی طور دیگری جلوه داد.

۵-۳. وضعیت نکاح موقت در صورت تولد طفل با بررسی فیلم‌های «من ترانه پانزده سال دارم» و «امروز»

در ادامه مطالب پیش‌گفته، در این بند به دو فیلم مطرح از دو دهه مختلف سینمای ایران پرداخته می‌شود. دو فیلمی که به یکی از چالش‌های جدی نکاح موقت یعنی تولد طفل در زمان زوجیت موقت می‌پردازند، آنگاه که ازدواج به ثبت نرسیده باشد. اگرچه تحولات قانونی نشانگر این است که قانون‌گذار به این خلأ جدی التفات پیدا کرده، اما سازوکارهای اجرایی همچنان با نارسایی بزرگی روبه‌رو است.

۵-۳-۱. من ترانه پانزده سال دارم

فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم» به کارگردانی رسول صدرعاملی محصول سال ۱۳۸۰ است. همان‌طور که از نام فیلم پیدا است، داستان فیلم درمورد دختری به نام ترانه است که در پانزده‌سالگی دلبسته پسر به نام امیر می‌شود. با تصمیم خانواده‌ها مقرر می‌شود که برای متأثرنشدن تحصیل دختر و پسر، بین آن‌ها «صیغه» نکاح موقت خوانده شود تا درس هردو به پایان برسد. بعد از چند ماه به دلیل ناسازگاری ترانه و امیر، آن‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند. کمی بعدتر ترانه متوجه می‌شود که باردار است، اما امیر از کشور خارج شده و به آلمان رفته است. پس از تولد طفل و به دلیل عدم همراهی مادر امیر، ترانه مجبور می‌شود تا برای اثبات نسب فرزندش اقامه دعوی کند. درنهایت، ترانه موفق به اخذ رأی از دادگاه می‌شود که پدر فرزندش امیر بوده است.

اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، به اصلاحات قانون حمایت خانواده مربوط است. پیش از سال ۱۳۹۱ که قانون جدید حمایت از خانواده به تصویب رسید، نکاح موقت تحت شمول عمومات قانون مدنی بود. در قانون مدنی نیز هیچ الزامی به ثبت ازدواج موقت مقرر نشده بود. بالاین‌حال، جرمی تحت عنوان «عدم ثبت واقعه ازدواج» در ماده ۶۴۵ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ وجود داشت. مطابق این ماده، عدم ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع می‌توانست برای مرد تا یک سال حبس تعزیری در پی داشته باشد. به طرز تأمل‌برانگیزی، ثبت واقعه ازدواج موقت در ماده مذکور مورد اشاره قرار نگرفته بود. در نتیجه مرد هیچ نوع الزامی برای ثبت ازدواج موقت نداشت.

معضل مطرح‌شده در فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم» دقیقاً به همین قسمت از قانون اشاره دارد. مرد می‌تواند مبادرت به ازدواج موقت کند، ولی زمانی که زوجه باردار می‌شود به‌کلی از پذیرش مسئولیت آن خودداری کند. از زمان ساخت فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم»، تقریباً یازده سال گذشت تا قانون‌گذار به توالی فاسد ناشی از عدم الزام قانونی نسبت به زوج برای ثبت ازدواج موقت پی ببرد.

اول اینکه مطابق ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ ثبت نکاح موقت در سه صورت الزامی قلمداد شد که یکی از این سه مورد، باردارشدن زوجه است. دوم اینکه درنهایت، طبق ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ علاوه بر ازدواج دائم و طلاق و رجوع، موارد دیگری از جمله عدم ثبت نکاح موقت، آنجا که الزام قانونی برای ثبت وجود دارد، نیز به فهرست جرائم ناشی از عدم ثبت اضافه و ماده ۶۴۵ کتاب تعزیرات نسخ شد.^۱

در یک‌سوم پایانی فیلم که ترانه اقدام به طرح دعوی برای اثبات نسب می‌کند، دو بار جلسه رسیدگی دادگاه برگزار می‌شود. پس از جلسه دوم، دادگاه با استناد به اثبات اصل رابطه زوجیت بین ترانه و امیر، الحاق طفل متولدشده به امیر را حکم می‌کند. به عبارت دیگر، مستند رأی دادگاه ماده ۱۱۵۹ قانون مدنی (قاعده فراش) بوده است. نکته‌ای که در فیلم بر آن تأکید می‌شود، اثبات رابطه زوجیت است تا دادگاه بتواند طبق قاعده فراش مبادرت به صدور حکم کند. اگر نکاح موقت ثبت شده بود و الزامی قانونی برای این امر وجود داشت، این میزان از سختی هیچ‌گاه برای ترانه در راستای اثبات نسب فرزندش به‌وجود نمی‌آمد.

با این حال الزام قانونی مندرج در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده برای ثبت ازدواج موقت نیز آن‌چنان گره‌گشا نیست؛ چرا که علاوه بر منوط‌نبودن صحت نکاح موقت به ثبت، با یک ایراد عمده دیگر هم روبه‌رو است؛ آن هم اینکه نوشدارو پس از مرگ سهراب است؛ زیرا ثبت را پس از باردارشدن زوجه الزامی می‌داند. ایرادی که در این خصوص وجود دارد این است که دقیقاً در همین زمان، زوج می‌تواند از ثبت خودداری کند و بار اثبات زوجیت و نسب طفل دوباره بر دوش زوجه قرار می‌گیرد. پس آنچه می‌تواند راهگشا و حل‌کننده این موضوع باشد، الزام به ثبت به‌صورت ابتدایی و در

۱. یکی از مواردی که ضرورت مراجعه حقوق و قانون‌گذار به سینما برای کشف نواقص احتمالی قانونی و قضایی را به بهترین شکل نشان می‌دهد، همین فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم» است. اگر قانون‌گذار در سال ۱۳۸۰ به مسئله مطرح‌شده در این فیلم توجه می‌کرد یا حقوقدانان توجه قانون‌گذار را به این مسئله جلب می‌کردند، اصلاحات قانونی سال ۱۳۹۱ بسیار زودتر اتفاق می‌افتاد و چه بسیار زنانی که برای اثبات نسب فرزندشان متحمل سختی و مرارت کمتری می‌شدند.

همان بدو وقوع نکاح موقت است تا در صورت باردارشدن، نگرانی‌ای برای زوجه از این جهت وجود نداشته باشد. ضمانت اجرای این پیشنهاد نیز می‌تواند در نظر گرفتن مسئولیت کیفری مناسب باشد.

۵-۳-۲. امروز

فیلم «امروز» ساخته سید رضا میرکریمی محصول سال ۱۳۹۲ نیز به همین موضوع اشاره دارد. داستان فیلم درمورد یک راننده تاکسی به نام یونس است که روزی زنی حامله (صدیقه) سوار ماشین او می‌شود و درخواست می‌کند تا او را به یک بیمارستان برساند. راننده زن را تا بیمارستان می‌برد و در زمان پذیرش مشخص می‌شود که نام شوهر در صفحه شناسنامه زن نیست. یونس که حالا درگیر ماجرا شده، برای کمک به زن در بیمارستان می‌ماند و همین سبب می‌شود تا همه فکر کنند او شوهر (موقت) زن است. پس از معاینه معلوم می‌شود که زن مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و احتمالاً به جراحی نیاز دارد. جراحی انجام می‌شود و طفل سالم به دنیا می‌آید، اما زن به دلیل شدت جراحات می‌میرد. یونس هم کودک تازه متولد شده را می‌دزدد و از بیمارستان می‌گریزد.

در این فیلم، وقوع نکاح موقت بین زن حامله و مردی که هیچ‌گاه دیده نمی‌شود محرز است. اول اینکه ظاهر زن و محجبه بودن او دلیلی بر این است. دوم، وقتی یونس زن را به بیمارستان می‌رساند، برای اینکه دردسری برایش ایجاد نشود، بیمارستان را ترک می‌کند، اما چند ثانیه بعد تلفنش زنگ می‌خورد که همان شماره‌ای است که زن پیش از رسیدن به بیمارستان از تلفن یونس با آن تماس گرفته بود: آقای یعقوبی. یونس به آقای یعقوبی می‌گوید که از طرف صدیقه با او تماس گرفته و در پاسخ، مرد پشت تلفن می‌گوید که زن همواره نگران آبروی خود و فرزندش بوده است. این مکالمه سبب می‌شود یونس تصمیم بگیرد به بیمارستان برگردد. وقتی ماشین دور می‌زند، نوری شدید به صورت یونس می‌تابد که نشان می‌دهد تصمیم درستی گرفته و حق با زن است.

سرپرستار، خانم مجد، جایی به یونس می‌گوید: «دیدم صفحه دوم شناسنامه‌ش خالیه، گفتم حتماً موقت بوده. فکر هم نمی‌کردید کارتون به اینجا بکشه... خوب جایی زندگی می‌کنید! اینجا بهشت مردانی مثل توهه!» اگرچه در زمان ساخت این فیلم، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در صورت باردارشدن زوجه، ثبت نکاح موقت را الزامی کرده بود، اما عوامل مختلفی از جمله اینکه اساس رابطه زوجیت موقت توسط زن در بسیاری از موارد (از جمله در داستان فیلم) خصوصاً در نقاط سستی‌تر کشور قابل اثبات نیست چه رسد به الزام زوج به ثبت ازدواج، سبب می‌شود تا در عمل ضمانت اجرای این امر بسیار ضعیف باشد. نتیجه این می‌شود که کم‌کم این الزام قانونی اثر عملی خود را از دست

می‌دهد. در داستان فیلم هم، صدیقه با نکاح موقت باردار شده، اما دسترسی به زوج ندارد و از مشخصات او هم اطلاعی موجود نیست.

در پایان نیز اگرچه طفل به دنیا می‌آید و توسط یونس از بیمارستان خارج می‌شود، اما صدیقه فوت می‌کند. مرگ او کنایه‌ای بزرگ است و می‌تواند تلنگری به قانون‌گذار باشد. درواقع مقررۀ قانونی این بوده که در صورت باردارشدن زوجه، زوج ملزم به ثبت نکاح موقت باشد و در صورت خودداری او از ثبت، متحمل مجازات شود، اما زن باردار فیلم «امروز» حتی بعد از تولد طفل زنده نمی‌ماند تا بتواند زوجیت خود و نسب فرزندش را اثبات کند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی دقیق آسیب‌شناسی سینمای ایران درخصوص نکاح موقت نشان می‌دهد ضرورت اصلاح قوانین در حوزه نکاح موقت، امری است که در آن نباید تردید داشت. از طرفی، تلقی عرفی از مقولۀ نکاح موقت در جامعه امروز ایران، آن‌چنان مثبت نیست و قانون‌گذار هم در تقنین باید از عرف تبعیت کند. باین‌حال، چون نظام قانون‌گذاری اسلام بر نظام قانون‌گذاری خانواده تأثیر زیادی دارد، باید راهکاری ارائه کرد که در شرایط فعلی قابلیت اجرا داشته باشد. از طرف دیگر به‌دلیل پنهانی‌بودن عمده مصادیق نکاح موقت، وقتی که مرد متأهل باشد، این نهاد معمولاً آثار زیان‌باری بر خانواده و نکاح دائم مرد می‌گذارد. ضمناً زمانی که در اثر نکاح موقت، طفلی متولد می‌شود، معمولاً مرد می‌تواند از پذیرش مسئولیت شانه خالی کند؛ چرا که تا زمان تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت الزامی نبود و از زمان تصویب قانون اخیر نیز ثبت فقط پس از تولد طفل (همچنین در صورت وجود شرط ضمن عقد و توافق طرفین) الزامی شده است. با این وصف اگرچه چنان‌که در فیلم «من، ترانه، پانزده سال دارم» نیز مورد اشاره قرار گرفته، با دعوی اثبات نسب، زوجه می‌تواند به حقوق خود و طفل دست یابد، اما این به‌لحاظ اصول کلی حقوقی و فقهی صحیح نیست که مسئولیت خلف وعده زوج، روی دوش زوجه قرار گیرد.

برای حل معضلاتی که در فیلم‌های مهم سینمای ایران نمایش داده می‌شود، راهکارهایی قابل‌ارائه است. یکی بازگشت به قوانین حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ و ضرورت اخذ اجازه دادگاه برای انعقاد نکاح موقت توسط مردان متأهل با درنظرگرفتن مسئولیت کیفری به‌عنوان ضمانت اجرا است تا هم قانون‌گذار به برداشت عرفی امروزی از نکاح موقت نزدیک‌تر شود و هم آسیب‌هایی که از نکاح موقت به نکاح دائم می‌رسد، کاهش یابد. همچنین قانون‌گذار می‌تواند متن رایج در سندهای ازدواج مبنی بر اختیار طلاق از سوی زوجه دائم در صورت انعقاد نکاح موقت توسط

زوج را به صورت مقررۀ قانونی درآورد. دیگر اینکه ثبت نکاح موقت به طور مطلق باید الزامی شود تا در صورت تولد طفل، زوجۀ برای اثبات نسب و اخذ شناسنامه به مشکلاتی که در فیلم‌های مورد بررسی در این پژوهش به آن‌ها اشاره شد برخورد نکند.

۷. تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

References

- Ghadiri, J. (2022). The functions of temporary marriage in the moral health of society. *Ethical Researches*, 13(1), 91–110.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23833279.1401.13.49.5.4> (In Persian)
- Gorji, A., Safaei, S. H., Araqi, S. A., Emami, A., Qasemzadeh, S. M., Sadeqi, M., ... & Ahani, B. (2022). *Comparative study of family law* (5th Ed.). Tehran: University of Tehran Press. (In Persian)
- Hashemi, S. H. (2007). A critique of temporary marriage in Sunni jurisprudence. *Strategic Studies on Women*, 9(35), 100–128. (In Persian)
- Jafari-Tabar, H. (2020). *The logic of wonder* (1st Ed.). Tehran: Farhang Nashr-e Now. (In Persian)
- Kamir, O. (2005). Why 'law-and-film' and what does it actually mean? A Perspective. *Continuum*, 19(2), 255–278.
<https://doi.org/10.1080/10304310500084558>
- Karimi, H., Bashiri, A., & Mofidi, Z. (2023). The pathology of promoting temporary marriage and its impact on permanent marriage and moral crimes. In *Proceedings of the 14th International Conference on Management and Humanities Research in Iran* (pp. 4358–4377). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Khorrami Rafani, S. (2020). A Critical Review of Paying for Temporary Marriage (Sighe) in the Media (Films and Serials). *Biannual Journal of Jurisprudence and Media Law Studies*, 2(1), 7–23. (In Persian)

- Mahvi, H., Bashiri, A., & Mofidi, Z. (2023, December 20–21). The pathology of promoting temporary marriage and its impact on permanent marriage and moral crimes. In *Proceedings of the 14th International Conference on Management and Humanities Research in Iran* (pp. 4358–4377). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Mirkhani, E. S. (2000). Boundary recognition in temporary marriage. *Strategic Women's Studies*, 2(9), 7–26. (In Persian)
- Mohammadzadeh, Z., & Nazari Tavakoli, S. (2021). Conceptualizing temporary marriage as a form of lease and its jurisprudential challenges. *Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*, 54(1), 168–182. <https://doi.org/10.22059/jfil.2021.322316.669154> (In Persian)
- Reichman, A. (2007). The production of law (and cinema): Preliminary comments on an emerging discourse. *Southern California Interdisciplinary Law Journal*, 17, 457.
- Reichman, A. (2007). The production of law (and cinema): Preliminary comments on an emerging discourse. *Southern California Interdisciplinary Law Journal*, 17, 457–50
- Rostami, V. (2008). People's participation in legislation of the Islamic Republic of Iran. *Private Law Studies*, 38(1), 179–204. (In Persian)
- Sadeghi, S. (2021). A sociological evaluation of temporary marriage and the feasibility of replacing it with permanent marriage in the modern world. *3rd International Conference on Jurisprudence, Law and Religious Research*, September 2022, Tbilisi. (In Persian)
- Safaei, S. H. (2009). *A concise course in family law* (14th Ed.). Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Soleimani, M., Sharifi, S. M., Sharifi, S. M., & Alavi, S. H. (2016). The desirable scope of temporary marriage from the perspective of Shiite jurisprudence. *Faqihaneh Journal*, 1(1), 64–79. (In Persian)
- Vahidi Ferdowsi, A., & Naeimi, Z. (2020). A Critical Review over History of Family Law in Iran. *Judiciary Law Journal*, 84(110), 279–302. <https://doi.org/10.22106/jlj.2020.100773.2523> (In Persian)
- Zamani-Moghadam, M. (2018). A Sociological Study of the Institution of Temporary Marriage in the Social History of Iran (From the Ancient Iran until the End of the Qajar Dynasty). *Social Sciences Quarterly*, 25(82), 129–155. <https://doi.org/10.22054/qjss.2017.23058.1586> (In Persian)